

اصل مطلب

روحانی استعفای آخوندی و شریعتمداری را پذیرفت



حسن روحانی، رئیس‌جمهور در نامه‌های جداگانه‌ای، ضمن پذیرش استعفای عباس آخوندی و محمد شریعتمداری از سمت وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و صنعت، معدن و تجارت، سرپرست‌های این دو وزارتخانه را نیز معرفی کرد.

بر این اساس روحانی در حکمی محمد اسلامی را به‌عنوان سرپرست «وزارت راه و شهرسازی» منصوب کرد. معاون مهندسی و طرح‌های توسعه سازمان صنایع دفاع بزرگ، مدیرعامل شرکت هواپیماسازی ایران، قائم‌مقام سازمان صنایع هوافضا، رئیس موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، معاون امور صنعتی و تحقیقاتی وزارت دفاع و معاون مهندسی پدافند غیرعامل وزارت دفاع و همزمان دبیر ستاد توسعه سواحل مکران از دیگر سمت‌های محمد اسلامی بوده است.

همچنین رئیس‌جمهور در حکمی رضا رحمانی را به‌عنوان سرپرست «وزارت صنعت، معدن و تجارت» منصوب کرد. رحمانی پیش از این به‌عنوان قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت در امور تولید، فعالیت می‌کرد. وی پیشتر در ادوار هفتم، هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماینده تبریز در مجلس حضور داشت و در دوره نهم نیز ریاست کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی را برعهده داشت.

حبس در انتظار مدیران بازنشسته



بعد از تصویب قانون «منع به کارگیری بازنشستگان» بسیاری از بازنشستگان نهادهای دولتی اعلام کردند که صندلی‌های خود را ترک نخواهند کرد. امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، عضو هیات‌رئیس‌ه مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که با توجه به این موضوع مجلس برای اجرای دقیق این قانون چه اقداماتی را در نظر گرفته است با اشاره به اینکه نظارت بر اجرای این قانون وظیفه دیوان محاسبات و سازمان یازرسی است، گفت: «قانون صریحا اعلام کرده که این افراد باید بروند، مجازات عدم اجرای این قانون حبس است.» وی افزود: «اگر این افراد بر ادامه حضورشان اصرار داشته باشند و در فرصت قانونی پست‌های مدیریتی را ترک نکنند مجازات حبس در انتظارشان است و بندی در زندان اوین به نام «مدیران بازنشسته‌ای که حاضر به ترک صندلی هایشان نیستند» ایجاد خواهیم کرد.» این عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس در ادامه گفت: «باید کمپین رسانه‌ای ایجاد شود که هرکس در هرجا مدیر بازنشسته‌ای می‌بیند که سرکار است، اعلام کند. ابعاد اجرای این قانون در وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و بانک‌ها بسیار گسترده است و دیوان محاسبات نمی‌تواند اطلاعات دقیقی در این خصوص ارائه دهد، لذا باید چنین کمپینی تشکیل شود.»

اصلاح‌طلبان هم شریکند



حسین کمالی، دبیرکل حزب اسلامی کار درباره نسبت رئیس‌جمهور با اصلاح‌طلبان و دلیل حمایت آنها از روحانی در انتخابات با اشاره با اینکه روحانی اصلاح‌طلب نیست و اصلاح‌طلبان هم ایشان را اصلاح‌طلب نمی‌دانند، گفت: «اصلاحات از او حمایت کرد نه به‌عنوان اصلاح‌طلب؛ یعنی در گزینه‌ها از ایشان حمایت کردند چون امکان برنده شدن ایشان را در انتخابات بیشتر و نکات مثبت او را نیز بیشتر دانستند.» وی افزود: «به هر حال اصلاح‌طلبان گرایش‌شان را به روحانی نشان داده‌اند و اینکه عملکرد ایشان چقدر در آینده اصلاح‌طلبان اثر بگذارد، طبیعی است که اثر خواهد گذاشت. اگر یک رضایت عمومی فراهم کند اثر می‌گذارد و اگر رضایت عمومی حاصل نشود و مردم این را نپذیرند که خواسته آنها عمل شده ناچار این وضعیت پیش آمده را به‌عنوان قصور و تقصیر می‌بینند و هم بر آقای روحانی اثر می‌گذارد و هم بر حامیان ایشان اعم از اصلاح‌طلب و غیراصلاح‌طلب.»



پای ترکان در میان است



اختلافات آخوندی و روحانی بازیگر دیگری هم غیر از این دو دارد؛ اکبر ترکان از همان ابتدا که بارقه‌های اختلاف نظر روحانی و آخوندی درخصوص نوسازی بافت فرسوده نمایان شد، یک پای ثابت همه مناقشات میان این دو بود؛ مناقشاتی که در یک سر آن وزیر راه و مسکن معتقد است به جای ساخت‌وساز و تخریب گسترده محله‌ها، مردم ساکن محلات بافت فرسوده توانمند شده و با همکاری خود آنان نوسازی خانه‌های فرسوده درجاسازی شود و در سر دیگر آن رئیس‌جمهور اعتقاد دارد باید این طرح با سرعت بالایی انجام شده و درنتیجه هم تعداد زیادی واحد مسکونی در بافت‌های فرسوده نوسازی شوند. در این میان حکم انتصاب اکبر ترکان، رئیس سابق سازمان نظام مهندسی کشور به سمت مشاور رئیس‌جمهور در امور هماهنگی نوسازی بافت فرسوده فضای اختلافی موجود را وارد فاز جدیدی کرد؛ انتصابی که پیام خوبی به دنبال نداشت. این انتصاب در حالی بود که وظیفه یادشده اساسا برعهده وزارت راه و شهرسازی است و اگر قرار باشد فردی به رئیس‌جمهور درخصوص پیشرفت نوسازی بافت‌های فرسوده مشاوره بدهد، آن فرد شخص وزیر راه و شهرسازی است نه ترکان. انتخاب ترکان از این نظر حائز اهمیت بود که او اختلافات دیرینه‌ای با آخوندی داشت؛ اختلافاتی که سابقه آنها به زمان ریاست ترکان بر شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی و نحوه صدور بخشنامه‌های نظام مهندسی برمی‌گردد. آخرین محمل اختلافات میان این دو نیز انتخابات دوره هشتم هیات‌مدیره‌های سازمان‌های استانی نظام مهندسی بود که ترکان با انتقاد از «ابلاغیه‌ها و ابطال پروانه اشتغال به حرفه مهندسی رئیس شورای مرکزی نظام مهندسی گفت: آخوندی فکر می‌کند «همه چیز بلد» است. او اردیبهشت امسال نیز در مصاحبه با روزنامه شرق، آخوندی را فردی «لجباز» و «مستبد» دانسته بود که تصور می‌کند همه چیز بلد است و نظرات دیگران هم برای او مهم نیست. او چندی بعدتر هم در واکنش به جدایی آخوندی از دولت این موضوع را خبری خوش دانسته بود.

خداحافظی باآقای حاشیه



«همه مسافران بیمه هستند؛ جای نگرانی نیست!» این جمله آشنای آخوندی را باید شاهکاری از نوع مواجهه وزرای دولت یازدهم و دوازدهم با افکار عمومی دانست؛ شاهکاری که تعبیری چون «خودت بمان» خودت بمان» زاده‌هاشمی و «بهش سبوس بده بخوره» محمود حجتی هم زندگی آن را نداشت. حادثه برخورد دو قطار مسافربری در ایستگاه هفت‌خوان سمنان که به کشته شدن ده‌ها نفر از هموطنان مان انجامید، از جمله مواردی بود که مطالبه استعفای آخوندی را در افکار عمومی مطرح کرد. در چنین وضعیتی، اظهارات دور از انتظار وزیر راه، جامعه را بدجور شوکه کرد. این نوع مواجهه دربحران‌ها البته گویا رویه مرسوم جناب وزیر بود. بعدها و در حادثه نفتکش سانچی آخوندی به‌عنوان متولی بخش دریانوردی کشور غیب شد و سکوت را بر هر اقدامی برای مدیریت بحران ترجیح داد. او حتی از ابراز همدردی با خانواده‌های دریانوردان هم خودداری کرد. در جریان زلزله اخیر در کرمانشاه نیز درحالی که این تصور وجود داشت که آخوندی به‌عنوان اولین مسئول در مناطق زلزله‌زده حضور یابد، او از نظرها غایب شد. آخوندی زمانی که به مناطق زلزله‌زده سفر کرد هم حرف‌هایی زد که خیلی‌ها آرزو کردند ای کاش او اساسا پا به کرمانشاه نمی‌گذاشت. جناب وزیر گفت: «نمی‌توانیم قیومیت مردم در بازسازی و ایجاد اسکان موقت را برعهده بگیریم.» برخورد تند آخوندی با خبرنگاری که از مرجوعی بودن هواپیمای ایرباس خریداری‌شده سوال کرده بود، پاسخ تأمل‌برانگیز به مسافری که از هزینه ۲۰۰ هزارتومانی پارکینگ فرودگاه گلهمندی کرده بود منی‌ری اینک «خب باتاکسی به فرودگاه بیایید» و «باید از شما بیشتر از این بگیرند» و... همگی هزینه‌های فراوانی را برای اعتبار و آبروی دولت به دنبال داشته است؛ هزینه‌هایی که شاید بتوان آنها را هم ولو به میزانی خفیف در تصمیم رئیس‌جمهور برای کنار گذاشتن جناب باجناق موثر دانست.

آخوندی در آستانه چهارمین استیضاح استعفا داد

فرار از کابینه بدون کارنامه خوانی

فرهنگیان: آخوندی استعفا کرد؛ این مهم‌ترین خبری بود که دیروز درباره تغییرات کابینه در رسانه‌ها منتشر شد، تغییراتی که زمزمه آنها چند ماهی است به گوش می‌رسد. از همان ابتدا هم البته نام وزارت راه در صف تغییرات احتمالی دولت به چشم می‌خورد، اما گویا اولویت آن در مقایسه با وزارتخانه‌های صحت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نیز اقتصاد در درجه پایین‌تری قرار داشت. هرچه بود، آخوندی حالا ۴۸ روز بعد از ارائه متن استعفایش به رئیس‌جمهور، تصمیم گرفت خود دست به کار شود و رسانه‌ها را در جریان تصمیمش برای قطع همکاری با دولت قرار دهد.

پایان همکاری تحمیلی



خداحافظی عباس آخوندی از دولت روحانی را خیلی‌ها در فضای سیاسی ایران، موضوعی بعید و دور از ذهن تصور می‌کردند و حتی در زمره محالات به شمار می‌آوردند. سه بار استیضاح ناموفق وزیر روثین‌تن کابینه لااقل این‌طور نشان داده بود که زور نمایندگان به آخوندی نمی‌رسد. این موضوع البته از زوایای مختلفی قابل تحلیل است. قدرت لابی آقای وزیر و تحرک چشمگیر معاونان پارلمانی او در بزنگاه‌های استیضاح، نگاه‌بخشی، محدود و ناظر به حوزه‌های انتخابیه در نمایندگان و... هر یک می‌تواند بخش‌هایی از ریشه‌های این موضوع باشد. اما خیلی‌ها مهم‌ترین عامل ثبات جایگاه آخوندی و جایگاه غیرقابل خدشه او در دولت را نسبت فامیلی او با ناطق نوری می‌دانند؛ نسبتی که وقتی در کنار مناسبات ناطق-روحانی از سویی و لاریجانی-روحانی از دیگر سو تحلیل می‌شود، از خیلی از واقعیات پرده برمی‌دارد و منطق بسیاری از اتفاقات را روشن می‌سازد. اختلافات رئیس‌جمهور و وزیر راهش البته مدت‌هاست دیگر بر کسی پوشیده نیست و روزی که روحانی برای دفاع از آخوندی به‌عنوان وزیر راه پیشنهادی دولت دوازدهم به مجلس رفت تا بار دیگر او را راهی پاستور کند هم گوشه‌هایی از آن نمایان شد. روحانی همان جا فارغ از تقدیر از وزیرش بابت نوسازی ناوگان حمل‌ونقل گفت که من و آقای آخوندی درخصوص نوسازی بافت‌های فرسوده با یکدیگر اختلاف نظر داریم؛ اختلافی که البته به نظر می‌رسد چیزی بیشتر از تفاوت نظر بر سر بافت‌های فرسوده باشد و همان موقع گفته می‌شد که او گزینه‌ای تحمیلی برای روحانی است؛ تحمیلی که با چاشنی رودریاستی با ناطق و لاریجانی، روحانی را مجبور کرد بار دیگر وزیر پرحاشیه کابینه یازدهم را مجدداً دعوت به همکاری کند. حالا گویا اختلافات بدجور بر این همکاری سایه انداخته و ماحصل آن، چنین شده که آخوندی پیش از به نتیجه رسیدن استیضاحش در مجلس و با علم به آنکه این بار احتمالاً پشتش به حمایت‌های قبلی گرم نیست، به این جمع‌بندی برسد تا خود پیشقدم شود و از دولت کناره‌گیری کند.

در دوره آخوندی، مسکن دست‌نیافتنی‌تر شد



عباس آخوندی چهار سال در دولت دوم هاشمی‌فرسنجانی وزیر مسکن و شهرسازی بود و شاید یکی از دلایلی هم که روحانی را برای انتصاب او در دولت یازدهم قانع کرد، همین تجربه قبلی بود؛ تجربه‌ای که البته در این پنج سال به هیچ‌عنوان به کمک وزارت راه و شهرسازی مخصوصاً در عرصه مسکن نیامد و اون‌توانست حداقل انتظارات را برآورده کند. عباس آخوندی حتی کار را به جایی رساند که حسن روحانی در سال ۹۶ در صحن علنی مجلس از او انتقاد کند و بگوید که خود من هم از او گلایه‌مندم. وزیر کنونی راه که هنوز استعفایش موردقبول رئیس‌دولت واقع نشده، سرسخت‌ترین منتقد طرح مسکن مهر بود و حضورش در پست جدید، موانع بزرگی را بر سر ادامه طرحی که چند میلیون نفر به آن دل‌خوش کرده بودند ایجاد کرد.

آخوندی البته تلاش کرد این توقف طرح مسکن مهر را با ایده دیگری یعنی طرح مسکن اجتماعی و بعداً چند طرح دیگر مشابه با آن جبران کند، اما به واقع در طول پنج سال کمترین کارآمدی را در این عرصه از خود نشان داد و تقریباً صنعت ساختمان را زمین‌گیر کرد.

علاوه‌بر تمامی اسناد و مدارک و شواهدی که درخصوص رکود بی‌سابقه صنعت ساختمان در کشور وجود دارد با گزارش‌هایی که افزایش قیمت مسکن در تهران نسبت به سال ۹۲ را چیزی حدود ۱۷۴ درصد نشان می‌دهد، مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی عملکرد عباس آخوندی را فاقد دستاوردهای قابل‌توجه دانسته و می‌گوید که وی به هیچ‌عنوان نتوانسته حداقل‌های انتظار در این حوزه را برآورده کند. مجموع این گزارش‌های رسمی و غیررسمی البته موید یک نکته واحد است؛ اینکه در دولت یازدهم و دوازدهم حدود ۴۰ درصد میزان ساخت‌وساز مسکن و قریب به ۳۰ درصد تعداد معاملات مسکن در کشور کاهش یافته است.

کاتولیک‌تر از پاپ



آخوندی در حالی روز گذشته استعفایش از دولت را رونمایی کرد که در متن استعفای او اثری از اشاره به عملکردها و سوءمدیریت‌ها به چشم نمی‌خورد. او ترجیح داده به جای پرداختن به این موضوعات کم‌اهمیت؛ پای اختلاف نظر‌ها با رئیس‌جمهور را پیش بکشد و پاورچین پاورچین و بی‌سر و صدا از آنچه در این پنج سال در حوزه تحت‌مدیریتش گذشته، عبور کند. در متن استعفای وزیر راه و مسکن آمده: «به نظر نمی‌رسد در ارتباط با روش بازآفرینی شهری موردنظر جنابعالی بتوانم کار موثری انجام دهم. همچنین در ارتباط با سیاست دولت در بازار و روش ساماندهی امور اقتصادی به لحاظ شرایط موجود بازار نیز امکان هماهنگی ندارم.» او با تأکید بر اینکه سه اصل پایبندی به قانون، احترام به قانون مالکیت و اقتصاد بازار رقابتی در هیچ شرایطی نباید زیر پا گذاشته شود، مدعی شده آنچه در تدبیر شرایط سخت ناشی از تحریم‌های آمریکا شاهدیم، نقض همین سه شرط است و درست به همین خاطر ادامه کار با این سطح از تفاوت دیدگاه را غیراخلاقی دانسته است.

بیان روشن‌تر گفته‌های آخوندی در متن استعفایش از این قرار است که دیدگاه‌های دولت و ورود به ساحت نظارت و عدم هماهنگی آن با دیدگاه نئولیبرال جناب وزیر دلیل این استعفا بوده. همه اینها البته در حالی است که خود فوکویاما هم اخیراً به عملکرد رونالد ریگان و مارگارت تاجر به‌عنوان نسنخه‌های اورجینال نئولیبرلیسم در اقتصاد خرده گرفته و آنها را مخرب توصیف کرده است.

در چنین شرایطی شاید عنوان کاسه داغ‌تر از آتش خیلی برازنده رفتار آقای وزیر نباشد، ولی خب یقه چاک دادن بابت نسخه‌هایی که خودنظر به‌پردازان آنها هم قیدشسان را زده‌اند و آرام‌آرام در حال فاصله‌گذاری یا لااقل مرمت آنها هستند، چندان با عقل و منطق جور در نمی‌آید. بر این اساس به نظر می‌رسد باید نفس کاتولیک‌تر از پاپ شدن را از معجزات لیبرال دموکراسی در ایران دانست.

ایر باس و بوئینگ و امید عجیب آخوندی به غرب!



هرچند «عباس عشق ایرباس» شاید تندترین تیرتی باشد که در این سال‌ها در نقد عملکرد عباس آخوندی در رسانه‌ها منتشر شده، اما همین تیتتر قطعاً می‌تواند بازگو کننده‌نگاه آخوندی به مساله خرید هواپیمای ابرباس و بوئینگ باشد؛ نگاهی که البته به صرف وجودش مورد انتقاد هیچ‌کسی نبوده، ولی حداقل در سه نقطه انتقادات زیادی را متوجه خود ساخت؛ اول از همه الگوی رفتاری: گرفتن عکس یادگاری با هواپیمایی که فقط اسم آن بزرگ بود و هرگز جزء اولویت‌های اصلی ناوگان پروازی در کشور به شمار نمی‌رفت یا برگزاری جشن برای ورود ایرباس‌ها و در آغوش کشیدن طرف خارجی، نوعی ذوق‌زدگی و به عبارتی پیام تحقیر را مخابره می‌کرد. موضوع دوم نوع قراردادهای: محرمانه بودن، تناقض در اخبار منتشرشده درخصوص مدل پرداخت پول، بستن قرارداد خرید هواپیمایی که خط تولید نداشتند و نهایتاً شائبه در قیمت‌نهایی برخی قراردادهای گفته می‌شد بسیار بیشتر از رقم واقعی بوده، باعث شد انتقادهای گسترده‌ای به وزارت راه و شهرسازی وارد شود. موضوع آخر اعتماد بی‌حد به غرب، اعتمادی که البته سرمنشأ آن کلیت و نوع نگاه آنها به مساله ارتباط با کشورهای اروپایی و آمریکا بود. نگاه وزارت راه و شهرسازی به ایرباس و بوئینگ آنها را در شرایطی قرار داد که هر بار و پس از هر نطق اعضای وزارت خزانه‌داری آمریکا با مسئولان کاخ سفید دل برخی در داخل بلرزد که حالا تکلیف توافقات چه می‌شود؛ لرزشی که البته روزی به زلزله تبدیل شد و هم بوئینگ و هم ایرباس مذاکرات و توافقات خود با ایران را نصفه و نیمه رها کردند و عطای ایران را به لقایش بخشیدند و آخوندی هم نه تنها دستش به ۲۰۰ هواپیمای وعده داده‌شده نرسید، بلکه صرفاً نظاره‌گر ماجرا بود. آخوندی در تیرماه گذشته در این خصوص جمله عجیبی گفت: «قرارداد خرید هواپیمای لغو نشده، امکان اجرا ندارد!»